

جمله و اجزای آن

اهداف کلی

- ۱- آشنایی کلی با ساختمان جمله‌ها
- ۲- آشنایی با ساختمان گزاره و نقش‌های دستوری آن

اهداف جزئی

- ۱- اجزای جمله (نهاد و گزاره) را در جملات نشان دهد.
- ۲- دانش‌آموز بتواند گونه‌های سه گانه‌ی ساختمان گزاره را تشخیص دهد.
- ۳- بتواند بگوید که فعل‌های اسنادی چیست.
- ۴- نقش گروه‌های اسمی را در بخش گزاره مشخص و تعیین کند.
- ۵- نشانه‌ها و نقش‌نماهای اجزای گزاره را در جملات نشان دهد.

منابع

- دستور زبان فارسی - دکتر حسن احمدی گیوی و ... - سمت - تهران ۱۳۷۴
- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر تقی وحیدیان - غلامرضا عمرانی - نشر سمت ۷۹ - تهران
- دستور زبان فارسی - دکتر پرویز خانلری - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران تهران ۱۳۵۳
- دستور زبان فارسی - دکتر مشکوة الدینی - دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۷۳
- مجله‌ی آموزش زبان و ادب فارسی (رشد) شماره‌ی ۵۷ - سال پانزدهم - (مقاله‌ی بحث

فعال)

- مجله‌ی آموزش زبان و ادب فارسی (رشد) ۵۶ سال پانزدهم (مقاله‌ی بحث متمم)
- مجله‌ی آموزش زبان و ادب فارسی شماره‌ی ۵۳ سال پانزدهم (مقاله‌ی ناگفته‌هایی درباره‌ی متمم) - غلامرضا عمرانی

روش‌های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی.
- پیش‌سازمان‌دهنده.
- همیاری.

نکات اساسی درس چهارم

- بیان تعاریف جمله از برخی دیدگاه و بررسی تقسیم بندی آن به نهاد و گزاره.
- بیان ساختمان سه گانه‌ی گزاره.
- بیان ساختمان گزاره‌ی جمله‌های دو جزئی.
- بیان ساختمان گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی.
- بیان ساختمان گزاره‌ی جمله‌های چهار جزئی.
- شرح و توضیح ساختمان گزاره در جمله‌های دو جزئی و رسم نمودار آن.
- شرح و توضیح ساختمان گزاره در جمله‌های سه جزئی و رسم نمودار آن‌ها.
- شرح و توضیح تفاوت متمم فعل با متمم قیدی.
- شرح و توضیح ساختمان گزاره در جمله‌های چهار جزئی و رسم نمودار آن‌ها.

□ در درس دوم مطرح شد که جمله به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود. برای آشنایی بیشتر، تقسیم بندی جمله به نهاد و گزاره را از برخی دیدگاه‌ها بررسی می‌کنیم:

○ مجموعه‌ای از کلمات که دارای معنی مستقل و تمام باشد جمله خوانده می‌شود. دانش‌آموزان به پای تخته سیاه آمدند.

این مجموعه شامل دو قسمت است: نهاد و گزاره.

نهاد کسی یا چیزی یا مفهومی است که کاری یا حالتی به آن نسبت داده می‌شود.

گزاره قسمتی از جمله است که حکمی را درباره‌ی نهاد بیان می‌کند؛ یعنی کاری یا حالتی را به آن نسبت می‌دهد:

پادشاهی به دیده‌ی حقارت در طایفه‌ی درویشان نظر کرد.

○ جمله سخنی است که حداقل دارای دو جزء اصلی باشد: نهاد و گزاره

ما رفتیم حسین رسید

گزاره که هسته‌ی جمله است، کلمه یا گروهی از کلمات است که گوینده به وسیله‌ی آن مطلب اصلی خود را بیان کند. هسته‌ی گزاره معمولاً فعل یا گروه فعلی است: احمد رفت
احمد از حال رفت

○ نهاد، کلمه یا گروهی از کلمات است که در ساختمان جمله همراه گزاره می‌آید و انجام یافتن مفهوم گزاره را عملی می‌کند؛ یعنی موجب عملی شدن مفهوم گزاره می‌شود. ما رفتیم – مریم رفت – برادر من رفت.

○ جمله سخنی است که دارای دو بخش نهاد و گزاره باشد. گزاره «خبر» جمله است و نهاد «صاحب خبر»

گزاره	نهاد
تمدن دیرینه دارد	کشور ایران

معمولاً نهاد پیش از گزاره می‌آید، فعل مرکز جمله و مهم‌ترین بخش گزاره و جمله است. اینک می‌کوشیم تا به شناخت ساختمان گزاره و تقسیم بندی اجزای آن بپردازیم:

○ ساختمان گزاره

گزاره با توجه به نوع فعل، در جمله‌های متفاوت، ساختمان جداگانه‌ای دارد و در حالت کلی سه نوع است:

(۱) گزاره‌ی جمله‌های دو جزئی، فقط از گروه فعلی تشکیل می‌شود:
نهاد + گزاره (گروه فعلی).

(۲) گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی، علاوه بر گروه فعلی، ممکن است دارای مفعول یا مسند یا متمم باشد.

○ نهاد + گزاره (مفعول + فعل).

○ نهاد + گزاره (مسند + فعل).

○ نهاد + گزاره (متمم + فعل).

(۳) گزاره‌ی جمله‌های چهار جزئی، به یکی از حالات زیر است:

○ نهاد + گزاره (مفعول + متمم + فعل).

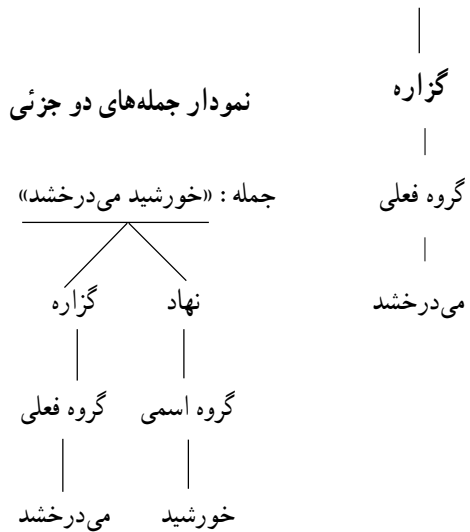
○ نهاد + گزاره (مفعول + مسند + فعل).

○ نهاد + گزاره (مفعول + مفعول + فعل).

□ ساختمان گزاره در جمله‌های دو جزئی: گزاره‌ی جمله‌های دو جزئی، فقط از گروه فعلی

تشکیل می‌شود. چنین فعلی، همیشه ناگذر است. در چنین جمله‌هایی، گروه فعلی، به تنهایی جایگاه گزاره را اشغال می‌کند.

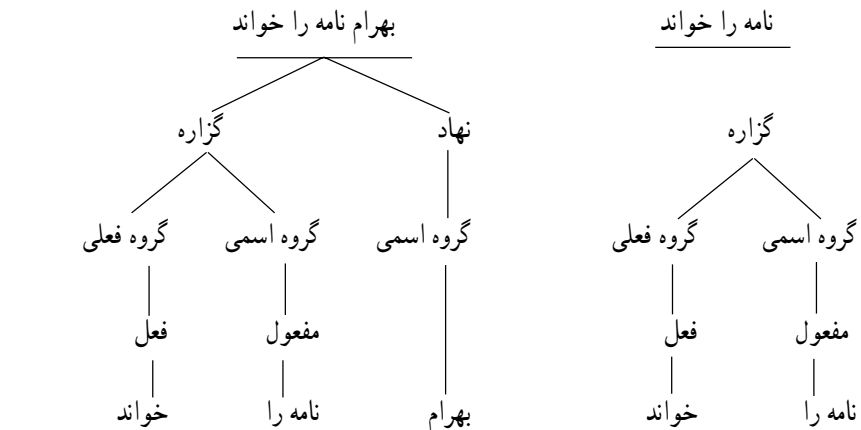
«خورشید می‌درخشد» در این جمله «خورشید» نهاد و «می‌درخشد» گزاره است که فقط دارای گروه فعلی است. اکنون نمودار گزاره را در جمله‌ی دو جزئی مشاهده می‌کنیم:
نمودار گزاره در جمله‌های دو جزئی:



□ ساختمان گزاره در جمله‌های سه جزئی: گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی، علاوه بر گروه فعلی، ممکن است دارای مفعول یا مسند یا متمم باشد.

نمودار گزاره‌ی این جمله‌ها چنین است:

○ نمودار «گزاره» در جمله‌ی سه جزئی
گذرا به مفعول



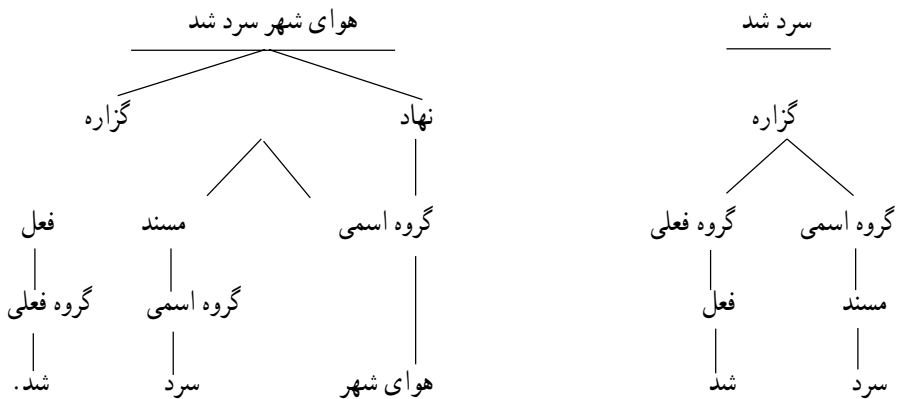
چنان که می‌بینیم در بخش گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی گذرا به مفعول، علاوه بر گروه فعلی، یک گروه اسمی دیگری نیز می‌آید که مفعول نام دارد. مفعول گروه اسمی است که پس از آن «را» می‌آید یا می‌تواند بیاید.

مصدر فعل‌هایی که جمله‌های سه جزئی با مفعول می‌سازند: ^۱

آوردن، انداختن، بافتن، برافراشتن، بردن، بستن، پاشیدن، پرستیدن، پروردن، پسندیدن، پوشیدن، بیمودن، تراشیدن، تکاندن، جویدن، چشیدن، خواستن، خوردن، داشتن، دانستن، درویدن، دریدن، دوختن، دیدن، راندن، زدن، ساختن، شستن، شناختن، فرستادن، فریفتن، کاشتن، کشیدن، گذاردن، گذاشتن، گشودن، لیسیدن، مکیدن، نواختن، نوشتن، بافتن، و نیز فعل‌هایی که با تکواژ (سببی گذرا ساز) «اند» گذرا می‌شوند.

نمودار جمله‌های سه جزئی گذرا به مسند

نمودار گزاره در جمله‌ی سه جزئی با مسند



چنان که می‌بینیم در بخش گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی با مسند علاوه بر گروه فعلی، یک گروه اسمی دیگری نیز وجود دارد. این جزء مسند نامیده می‌شود. مسند گروه اسمی‌ای است که فعل اسنادی برای تکمیل جمله به آن نیاز دارد؛

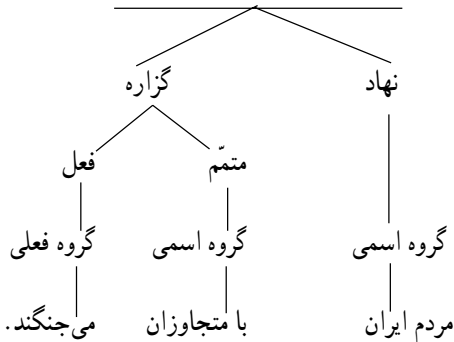
مثلاً در فارسی امروز، دو جمله‌ی «علی شد» و «هوا است» کاربرد ندارد و غلط است و باید به هر یک از این دو جمله، یک جزء، یعنی «مسند» افزوده گردد تا کامل شوند. «علی مریض شد.» «هوا ابری است.» دو فعل «شدن»^۲ و هم معنی‌های آن (گشتن و گردیدن) و «بودن» و مشتقات آن‌ها مانند: است، می‌باشد، بود، شد، می‌شود . . . علاوه بر نهاد، «مسند» می‌گیرند و جمله‌های سه جزئی مسند دار می‌سازند.

۱- دستور زبان فارسی (۱) دکتر وحیدیان - عمرانی - نشر سمت - تهران ۱۳۷۹

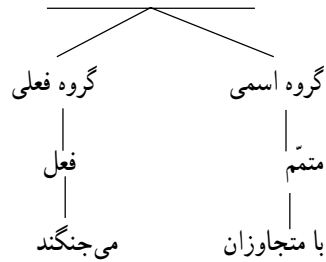
۲- در این جا، منظور از مصدر، فعل است. این انتخاب آگاهانه، برای پرهیز از ذکر تمام ساخت‌های فعل صورت گرفته

است.

نمودار جمله‌های سه جزئی گذرا به متمم
مردم ایران بامتجاوزان می‌جنگند.



نمودار گزاره در جمله‌ی سه جزئی با متمم
بامتجاوزان می‌جنگند



چنان که می‌بینیم در بخش گزاره‌ی جمله‌های سه جزئی با متمم، علاوه بر گروه فعلی، یک گروه اسمی دیگری نیز وجود دارد.

این جزء، «متمم» نامیده می‌شود. متمم فعل، گروه اسمی است که پس از حرف اضافه می‌آید. پس نشانه‌ی (نقش نمای) متمم حرف اضافه است: به - با - از - برای - در - بر... که کاربرد سه حرف اضافی به، با، از، زیاد است.

□ تفاوت متمم فعل بامتعم قیدی: نوعی گروه قیدی (متمم قیدی) از نظر ساخت، با متمم فعل یکسان است یعنی همراه با حرف اضافه می‌آید: رضا از مدرسه آمد. رضا به مدرسه آمد.

تفاوت گروه قیدی (متمم قیدی) بامتعم فعل در آن است که بعضی از فعل‌ها به متمم فعل نیاز دارند و با حذف متمم جمله ناقص می‌شود: با دانایان درآمیز. از نادانان بپرهیز.

اما متمم قیدی جنبه‌ی توضیحی دارد و فعل به آن نیاز ندارد. علاوه بر آن، فعل‌هایی که به متمم نیاز دارند، دارای حرف اضافه‌ی اختصاصی هستند. این فعل‌ها، تنها یک متمم دارند اما متمم قیدی در هر جمله می‌تواند متعدد باشد: رضا با اتوبوس، از مدرسه، به خانه آمد. یا جمله متمم قیدی نداشته باشد: رضا آمد.

همچنین در جمله‌های الف) وحید بادسته‌ی گل می‌آید. ب) وحید به دسته‌ی گل می‌ماند.^۱

«دسته‌ی گل» در هر دو جمله متمم است. چون با نشانه‌ی (نقش نمای) حرف اضافه آمده است. با این تفاوت که اگر در جمله‌ی الف) «دسته‌ی گل» را حذف کنیم، به ساخت و معنای جمله آسیبی نمی‌رسد (فعل به آن نیازمند نیست)، حال آن که در جمله‌ی ب) «دسته‌ی گل» را نمی‌توان

حذف کرد، زیرا فعل به آن نیازمند است.

متمّم‌های قابل حذف را «متمّم قیدی» می‌نامند که «قید» محسوب می‌شوند و همانند قید می‌توان در هر جمله‌ای یک یا چند متمّم قیدی را به کار برد، اما متمّمی که فعل به آن نیاز دارد، «متمّم فعل» نامیده می‌شود و یکی از «اجزای اصلی» گزاره به حساب می‌آید و هر گزاره یا جمله تنها می‌تواند یک متمّم فعل داشته باشد.

مصدر برخی از این فعل‌ها با حرف اضافه‌ی ویژه‌ی آن‌ها: ^۱

حرف اضافه	مصدر
به	اندیشیدن، بالیدن، برآزیدن، برخوردن، پرداختن، پیوستن، تاختن (= حمله بردن)، چسبیدن، گرویدن، تازیدن، نگرستن
با	جنگیدن، درآمیختن، ساختن (= سازگار بودن)، ستیزیدن، آمیختن (مخلوط شدن)
از	پرهیزیدن، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن.

از میان حروف اضافه‌ای که با این فعل‌ها می‌آیند – همان طور که در جدول دیده می‌شود – سه حرف اضافه‌ی «به»، «با» و «از» پرکاربرد است. «در» و «بر» نیز به ندرت کاربرد دارند. هر یک از این فعل‌ها حرف اضافه‌ی ویژه‌ی خود را می‌طلبند و بی‌آن به کار نمی‌روند، در حالی که بقیه‌ی فعل‌ها معمولاً با هر حرف اضافه‌ای می‌آیند. به دو جمله‌ی زیر توجه شود:

محسن از می‌رنجد.

محسن از / به / تا / خانه می‌رود.

در جمله‌ی «لوازم تحریر از تهران رسید»، «از تهران» متمّم فعل است یا متمّم قیدی؟ چون می‌توانیم «به تهران» رسید هم بگوییم، متمّم قیدی است، به عبارت دیگر «رسید» حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.

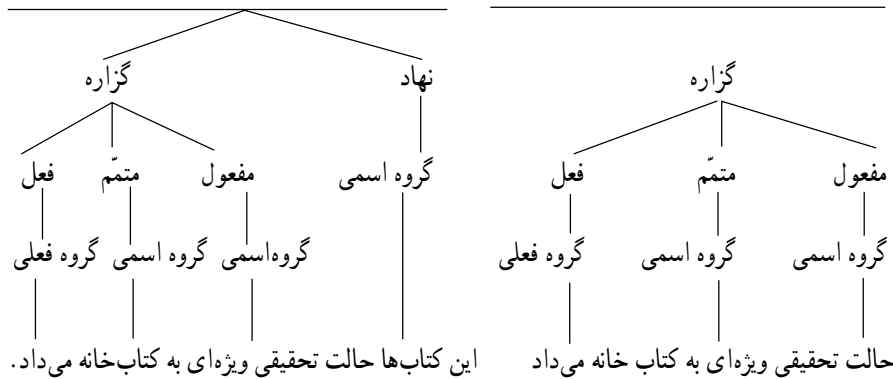
۱- ساختمان گزاره در جمله‌های چهار جزئی

گزاره‌ی جمله‌های چهار جزئی، علاوه بر گروه فعلی، ممکن است به صورت‌های زیر باشد:

□ مفعول + متمّم + فعل

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان - عمرانی - نشر سمت تهران - ۱۳۷۹

○ نمودار «گزاره» در جمله‌های چهار جزئی بامفعول و متمم: نمودار جمله‌ی چهار جزئی بامفعول و متمم: حالت تحقیقی ویژه‌ای به کتاب خانه می داد این کتاب‌ها، حالت تحقیقی ویژه‌ای به کتابخانه می داد.



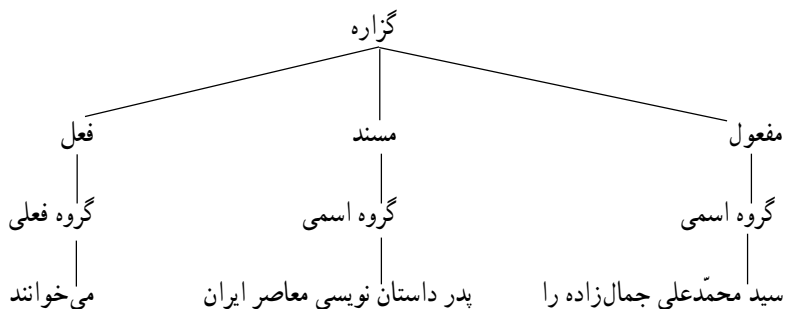
این کتاب‌ها حالت تحقیقی ویژه‌ای به کتاب خانه می داد. حالت تحقیقی ویژه‌ای به کتاب خانه می داد
 فعل این نوع جمله‌ها نیز گذراست. مصدر فعل‌های با مفعول و متمم (این فعل‌ها علاوه بر مفعول، به متمم هم نیاز دارند به عبارت دیگر، حرف اضافه‌ی اختصاصی نیز دارند):

حرف اضافه	مصدر
به	آموختن (تعلیم دادن)، آویختن (وصل کردن، نصب کردن)، افزودن، آلودن، بخشیدن، پرداختن، پیوستن
با	اندودن، آمیختن (مخلوط کردن)، سنجیدن
از	پرسیدن، ترساندن، خریدن، دزدیدن، ربودن، رهاندن، شنیدن، کاستن، گرفتن، آموختن (فراگرفتن)

□ مفعول + مسند + فعل

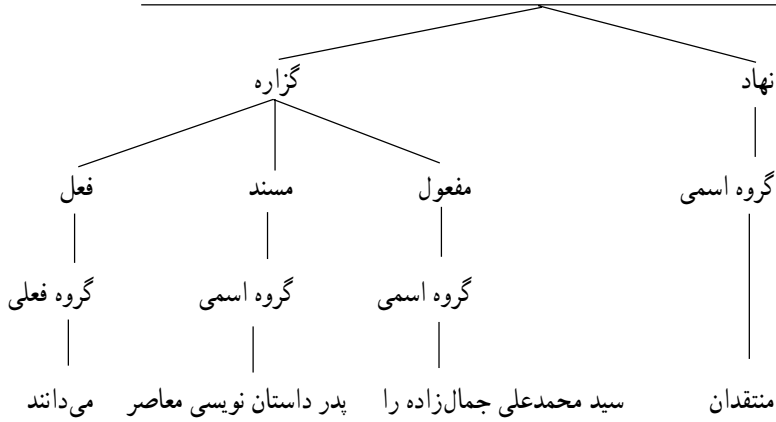
نمودار «گزاره» در جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

سید محمدعلی جمال‌زاده را پدر داستان نویسی معاصر ایران می خوانند



○ نمودار «جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و متمم»

منتقدان، سید محمدعلی جمال‌زاده را پدرداستان نویسی معاصر می‌دانند.



فعل این نوع جمله‌ها نیز گذرا است.

عمده‌ی فعل‌های این گروه عبارتند از:

○ «گردانیدن» (= گذرای سببی «گشتن» و «گردیدن») و فعل‌های هم‌معنی آن مثل: «نمودن»،

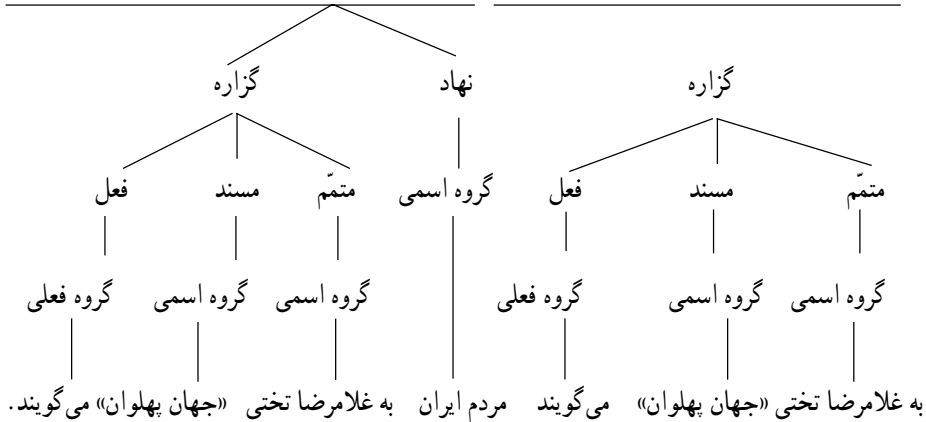
«کردن»، «ساختن»

○ «نامیدن» و فعل‌های هم‌معنی آن مثل: «خواندن»، «گفتن»، «صدا کردن / زدن».

○ «پنداشتن» و فعل‌های هم‌معنی آن مثل: «دیدن»، «دانستن».

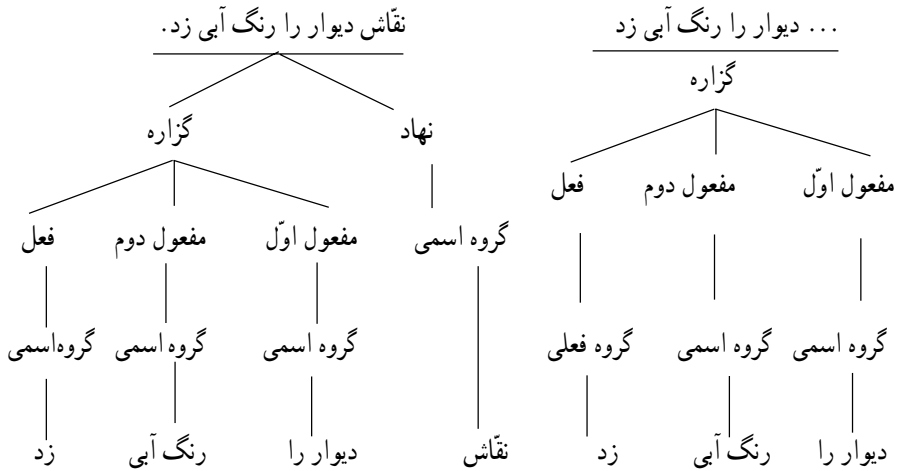
○ نمودار «گزاره» در جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند ○ نمودار جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند

... به غلامرضا تختی «جهان‌پهلوان» می‌گویند. مردم ایران به غلامرضا تختی، «جهان‌پهلوان» می‌گویند.



مثال‌های دیگر :

- سهراب سپهری به این ساختمان متروکه، اتاق آبی می‌گوید.
- سیمین دانشور به این درخت، درخت گیسو می‌گوید.
- تاریخ نویسان، به این قسمت از تمدن روم، «بیزانس» گفته‌اند.
- اهالی شیراز به این گل، «گل شو یا شوهر» می‌گویند.
- نمودار «گزاره» در جمله‌ی چهار جزئی با مفعول اول و مفعول دوم
- نمودار جمله‌ی چهار جزئی با مفعول اول و مفعول دوم



چون در فارسی امروز «را» به معنای «به» به کار نمی‌رود و تنها نشانه‌ی مفعول است از این رو، گروه اسمی نخست، «مفعول» نامیده شده است. اگر جمله‌ی «مادر کودک را غذا داد» به صورت «مادر به کودک غذا داد» بیاید، جمله از نوع چهار جزئی با مفعول و متمم است.

* تفاوت این نوع جمله با جمله‌ی چهار جزئی «با مفعول و مسند» آن است که در آن نوع جمله — هم چنان که دیدیم — مفعول و مسند هر دو یک چیز بودند اما در این نوع اخیر مفعول اول و دوم یکی نیستند. دو جمله‌ی زیر را باهم بسنجیم :

جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند : همه او را علی می‌نامیدند. او = علی

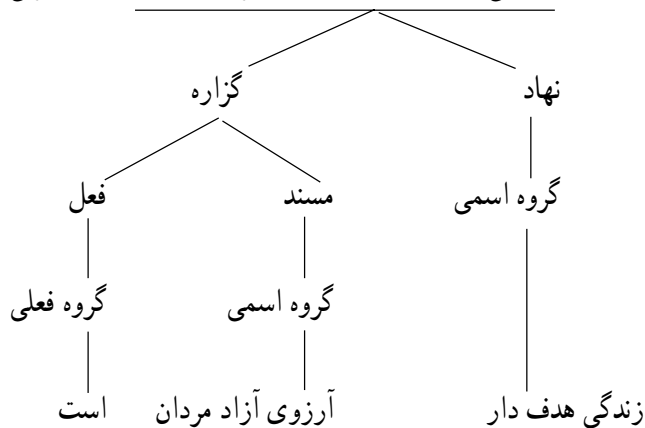
جمله‌ی چهار جزئی دو مفعولی : مادر کودک را غذا داد. کودک ≠ غذا

* مثال‌های دیگر :

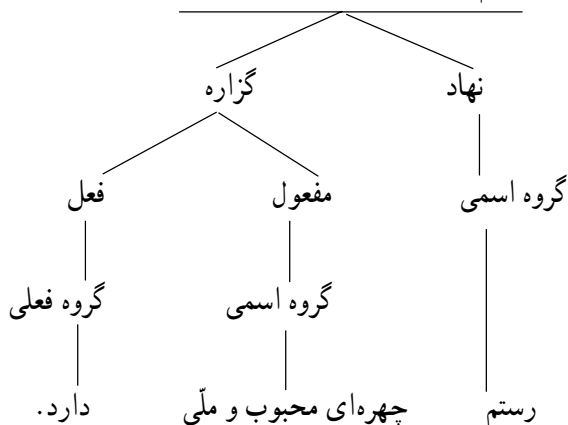
... بچه‌ها را لباس پوشانندیم.
 ... شاگردان اوّل را جایزه دادند.
 فردوسی با حماسه‌ی جاودانه‌اش، زبان فارسی را عظمت و اعتبار بخشید.
 تعمیرکار، دنده‌ی ماشین را روغن زد.

* پاسخ خودآزمایی‌های درس چهارم

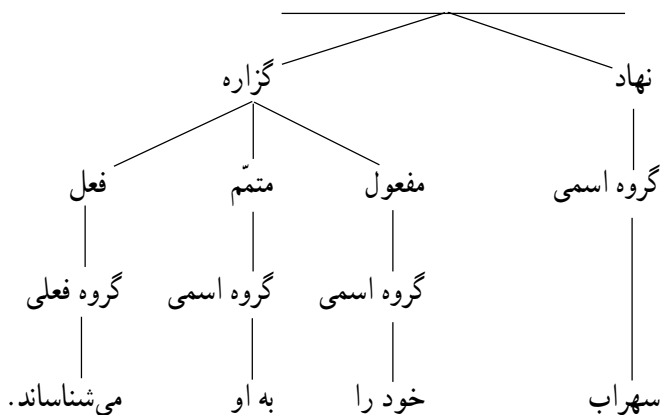
۱- الف) زندگی هدف دار آرزوی آزاد مردان است. (سه جزئی با مسند)



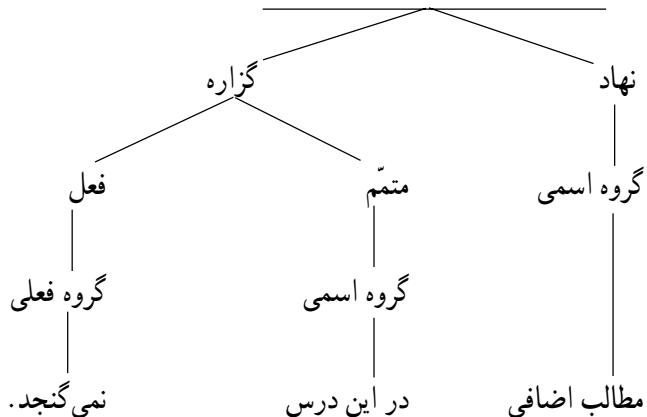
ب) رستم چهره‌ای محبوب و ملی دارد. (سه جزئی با مفعول)



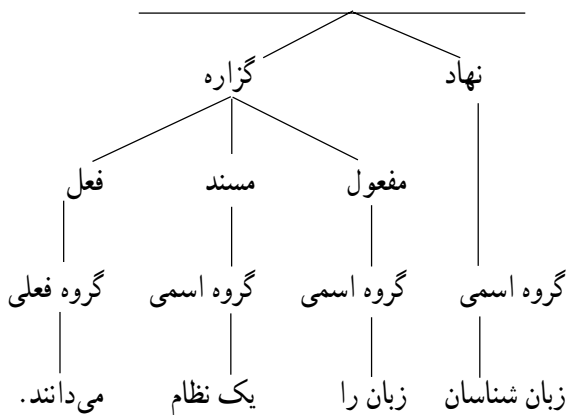
پ) سهراب خود را به او می‌شناساند. (چهار جزئی بامفعول و متمم)



ت) مطالب اضافی در این درس نمی‌گنجد. (سه جزئی بامتمم)



ث) زبان شناسان زبان را یک نظام می‌دانند. (چهار جزئی با مفعول و مسند)



- ۲- الف) زندگی هدف دار در سایه‌ی آزادی و عدالت، آرزوی آزاد مردان است.
- ب) رستم در میان ایرانیان، چهره‌ای محبوب و ملی دارد.
- پ) سهراب از روی صداقت و سادگی، خود را به او می‌شناساند.
- ت) مطالب اضافی برای آموزش بیشتر، در این درس نمی‌گنجد.
- ث) زبان شناسان، از ابتدای تاریخ زبان‌شناسی علمی، زبان را یک نظام می‌دانند.

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- هر گاه فعل اسنادی، کلمه‌ای را به نهاد نسبت دهد، به آن کلمه..... می‌گویند.
- ۲- در جمله‌ی «غذا لذیذ است» «غذا» نقش..... دارد.
- ۳- در جمله‌ی «غذای ظهر لذیذ بود»، «ظهر» نقش..... دارد.
- ۴- به گروه اسمی که قبل از «را» بیاید یا بتوان بعد از آن «را» اضافه کرد..... می‌گویند.
- ۵- در جمله‌ی «علی به زمین خورد» کلمه‌ی..... نقش متممی دارد.
- ۶- به گروه اسمی که بعد از حروف اضافه می‌آید..... می‌گویند.
- ۷- جمله‌ی «حسن به تندی دست از کار کشید» «به تندی» نقش..... دارد.
- ۸- به کلمه‌ای که توضیحی بیشتر درباره‌ی یکی از اجزای جمله می‌دهد،.... می‌گویند.
- ۹- در جمله‌ی «مردم او را ریش سفید می‌شمارند»، «ریش سفید» نقش..... دارد.
- ۱۰- در جمله‌ی زیر متمم‌های قیدی را مشخص کنید.
روزهای نوجوانی از پی هم می‌گذرد. گذشت این روزها در رقم زدن سرنوشت ما تأثیر فراوان دارد. هر روز که از خواب بر می‌خیزیم به خود وعده می‌دهیم که روزی دیگر را با پشتکاری حیرت‌انگیز آغاز خواهیم کرد.

۱۱- نقش اجزای جمله‌های زیر را مشخص کنید :

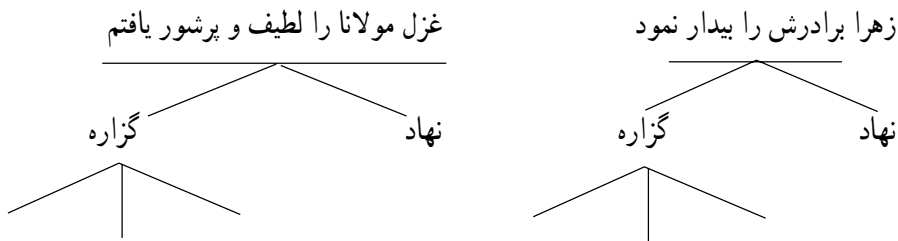
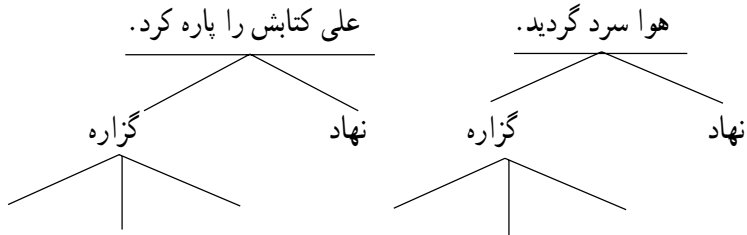
«اتاق آبی خالی افتاده بود، هیچ کس در فکرش نبود. نیرویی تاریک مرا به اتاق آبی می‌برد، گاه میان بازی، اتاق آبی صدایم می‌زد. از هم‌بازی‌ها جدا می‌شدم، می‌رفتم تا میان اتاق آبی بمانم و گوش بدهم. چیزی در من شنیده می‌شد. مثل صدای آب که خواب شما بشنود. جریانی که از سپیده دم چیزها از من می‌گذشت و در من به من می‌خورد.

چشم چیزی را نمی‌دید. به سبکی بر می‌رسیدم و در خود کم‌کم بالا می‌رفتم و حضوری کم‌کم جای مرا می‌گرفت حضوری مثل وزش نو. وقتی که این حالت تُرد و نازک مثل یک چینی تَرک می‌خورد، از اتاق می‌پریدم بیرون، می‌دویدم میان شلوغی اشکال....»

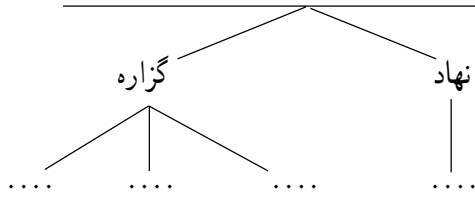
۱۲- نقش اجزای جملات زیر را مشخص کنید :

- چراغ دانش را برافروزیم.
- جوینده به حقیقت می‌رسد.
- دانش چراغ است.
- طبیعت هر انسان آزاده‌ای، آزادگی را می‌ستاید.
- سخت کوشان پادشاه‌های نیک می‌یابند.
- هیچ آزاد اندیشی، باحقیقت نمی‌جنگد.
- پیامبر (ص) پرتو حقیقت را به جامعه‌ی غفلت زده تاباند.
- فردوسی شایستگی‌های ما را به خودمان می‌شناساند.
- مادر کودک را آرام گردانید.
- علی چراغ را روشن کرد.
- معلمان مدرسه، علی را زرنگ می‌دانند.
- اهالی محله، دوستم را امین به حساب می‌آورند.

۱۳- اجزای جملات زیر را در نمودار قرار دهید و نام هر یک را بنویسید :

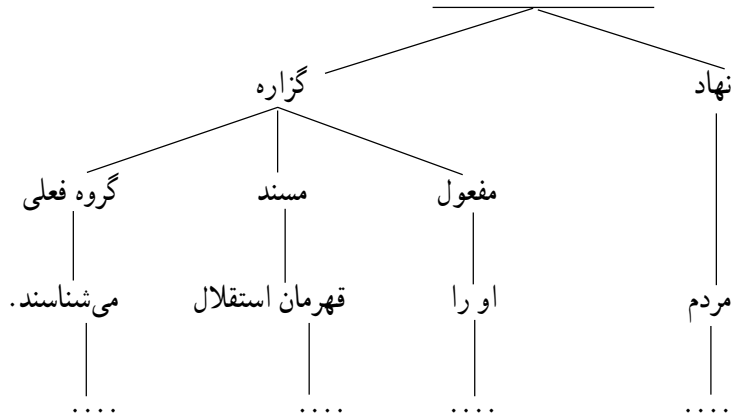


من موضوع سخنرانی را از دوستم پرسیدم



۱۴- به جای گروه‌های زیر نمودار، گروه‌های دیگری بگذارید :

جمله‌های چهار جزئی



۱۵- برای هر یک از فعل‌های زیر، یک جمله‌ی چهار جزئی متفاوت با متن بسازید و زیر

نمودار بنویسید :

می‌بینیم، پنداشته بودند، می‌شمارند، صدا می‌زنند، گفته‌ایم، بگردان.